

متفاوت تر

میدونید چی میشه که از "آدم های خوب" دور میشیم و بعد از دستشون میدیم؟ شاید سریع ترین راه برای دوری از "آدم های خوب" این باشه که انسان خودش رو باهاشون "قیاس" کنه!

و اون قیاس منجر بشه که "اداشون" رو دریاره! چه ادای رفتارشون، چه الفاظشون، چه لباس و وسایل و ظاهرشون....

"آدم های خوب" رو فقط بایستی "دوست داشت" و اگر امکان داشت ازشون "الگو" گرفت، که حتما میدونید الگو گرفتن هیچ ربطی به ادا درآوردن نداره و "کلی" هست، نه "جزیی"....

مثلا "پیامبر اعظم" الگوی جناب سلمان فارسی بود ولی سلمان هیچ وقت ادای پیامبر رو در "جزییات" در نمیآورد ...

"قیاس" اول حسرت میاره، بعد اگر درست نشه "حسادت" میاره، و آمدن حسادت همانا و "متکبر" شدن همانا، دقیقا همون بلایی که سر "ابلیس" اومد برای همین معصومین بارها فرمودند که "قیاس نکنید چون اولین کسی که قیاس کرد ابلیس بود"

اما قیاس قبل از حسرت و حسادت و اینها، حتما "ادا" میاره، همون ادایی که ابلیس شش هزار سال ادای سجده کردن "ملائکه" رو در میآورد! ظاهرا عبادت بود اما باطنا ادای "خوبها" رو درآوردن بود....

به قول جناب ملای رومی؛ کار پاکان را قیاس از خود مگیر گرچه باشد در نوشتن شیر، شیر

خلاصه که سریعترین راه برای دوری از "خوبها" قیاس و تقلید و اداشون رو درآوردن هست

راستی هیچ "اصلی" از "فیک" خودش خوشش نمیاد؛ برای همین "خداوند" از "بُت" خوشش نمیاد.... هرکی باید "خودش" باشه، نه "فیک" یه کس دیگه